

## تحقق تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش مدرسه‌ای طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۵۵\*

محمد آتشک<sup>۱</sup>، انسیه زاهدی<sup>۲</sup>، غلامرضا گرائی نژاد<sup>۳</sup>، نگار صدریا<sup>۴</sup>، سمیه محمدی<sup>۵</sup>

دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۷ پذیرش: ۱۳۸۸/۲/۲۴

## چکیده

تحقیق توصیفی حاضر در پی بررسی میزان تحقق شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش مدرسه‌ای (دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) ایران طی سال‌های ۹۵-۱۳۵۵ و پیش‌بینی امکان تحقق این امر، برای سال ۱۳۹۵ (به عنوان سال پایانی برنامه جهانی آموزش برای همه، اهداف توسعه هزاره و برنامه پنجم توسعه کشور) بوده است. به این منظور چهار سرشماری اخیر (۵۵-۶۵-۷۵-۱۳۸۵) به عنوان سال‌های مبنای انتخاب و جمعیت واجب‌التعلیم دوره‌های مذکور از سرشماری‌ها و جمعیت دانش‌آموزی سال‌های مذکور از آمارنامه‌های آموزش و پرورش استخراج و نرخ ثبت‌نام ناخالص دختران و پسران مقاطع سه‌گانه در دوره‌های زمانی مورد اشاره محاسبه شد و بر اساس این نرخ، شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش محاسبه شد. عمده‌ترین نتایج نشان می‌دهد که طی ۳۰ سال گذشته در دوره متوسطه در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و در دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۸۵ شاخص فوق‌محقق شده و در دوره راهنمایی هنوز تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش رخ نداده و هم‌چنان به ضرر دختران است. پیش‌بینی‌های صورت گرفته بر مبنای درصد رشد سالیانه شاخص فوق، نشان می‌دهد که برخلاف روند ۳۰ سال گذشته، در سال تحصیلی ۱۳۹۵ و در همه مقاطع تحصیلی عدم تساوی در دسترسی به آموزش به ضرر پسران خواهد بود.

**کلید واژه‌ها:** ایران، تساوی جنسیتی، دسترسی به آموزش، دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه.

\* مقاله حاضر با احترام فراوان تقدیم می‌شود به خاطر "طوبی رشدیه" که در سال 1282 شمسی اولین مدرسه دخترانه (مدرسه

پرورش) را در ایران تاسیس نمود

□ عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، مسئول مکاتبات:

□ مدرس دانشکده تربیت دبیر فنی شریعتی،

□ عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز،

□ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه تربیت معلم،

□ کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی،

matashak@yahoo.com

ensiehzahedi@yahoo.com

dr\_ghahramani@yahoo.com

negar\_sadria2005@yahoo.com

somohamadi@yahoo.com

### مقدمه و بیان مسأله

از سال ۱۹۲۴ (سال صدور اولین اعلامیه حقوق کودک به وسیله اتحادیه ملل متحد) تا به امروز اعلامیه‌ها، معاهده‌ها و کنوانسیون‌های فراوانی به منظور تأکید بر حق برخورداری کودکان از آموزش اجباری، رایگان و حمایت از آن‌ها در مقابل همه اشکال غفلت، بی‌توجهی و تبعیض صادر شده است<sup>۱</sup> که نتیجه تمامی قطعنامه‌ها و بیانیه‌ها امروزه در دو سند مهم متجلی شده است: سند آموزش برای همه<sup>۲</sup> که در اجلاس جهانی آموزش در سال ۲۰۰۰ در داکار سنگال به تصویب کشورهای عضو (از جمله ایران) رسید و بر اساس آن کشورها متعهد به تحقق هدف دسترسی همه کودکان به آموزش کامل و مطلوب و تحقق برابری جنسیتی در دسترسی به آموزش<sup>۳</sup> شدند (سند ملی برنامه آموزش برای همه، ۱۳۸۳). سند مهم دیگر آرمان‌ها و اهداف توسعه هزاره<sup>۴</sup> می‌باشد که در آن نیز کشورها متعهد شده‌اند تا نابرابری جنسیتی با ترجیح در آموزش ابتدایی و راهنمایی را تا سال ۲۰۰۵ و در تمام سطوح تحصیلی تا سال ۲۰۱۵ حذف کنند (Human Development Report 2006. Beyond Scarcity: Power, Poverty and the Global Water Crisis, 2006).

### جایگاه حق آموزش برابر در قانون اساسی و برنامه‌های توسعه

اگر چه در اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف شده است تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت (بدون توجه به جنسیت) تا پایان دوره متوسطه تحصیلی فراهم کند. اما نگاهی گذرا به چهار قانون برنامه توسعه نگاشته شده پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که در قانون برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ذیل مواد و تبصره‌های بخش آموزش و پرورش، مواردی که به صراحت بر موضوع برابری جنسیتی در آموزش تأکید داشته باشد و راهبردهای مشخص برای آن ارائه نماید، وجود نداشته است ولی در بررسی مشکلات و تنگناهای نظام آموزش کشور در لایحه سوم، مسائل آموزش در ارتباط با جنسیت به مواردی همچون محدودیت مشارکت زنان در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری در نظام آموزشی کشور، عدم تناسب جنسیت معلمان با دانش‌آموزان، کمبود مربیان آموزش فنی و حرفه‌ای به‌ویژه زنان، بی‌توجهی به نقش مطلوب زن در محتوای برخی از کتاب‌های درسی، تأکید شده بود و در این راستا، راهکارهایی چون بازنگری در برنامه‌های درسی متناسب با سن و جنس، اصلاح و متناسب‌سازی فضاهای آموزشی با توجه به شرایط جغرافیایی، جنسیت در دوره‌های تحصیلی، ایجاد شبانه‌روزی‌ها برای دوره راهنمایی با تأکید بر آموزش دختران، ایجاد مرکز تربیت مربی و مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای ویژه زنان و تأمین امکانات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از طریق استفاده از مراکز شبانه روز خاص زنان و مردان مورد توجه قرار گرفت (سند

۱. برخی از این تلاش‌ها عبارتند از: تشکیل صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) در سال ۱۹۴۶، اعلامیه جهانی حقوق کودک در سال ۱۹۵۹، کنوانسیون حقوق بشر کودکان در سال ۱۹۷۹ و ۱۹۹۰، اجلاس جهانی سران برای کودکان ۱۹۹۰، دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳، دومین کنفرانس جهانی بین‌المللی جمعیت و توسعه ۱۹۹۴، پنجاه و سومین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۹۹۹

۲. EFA: Education For All

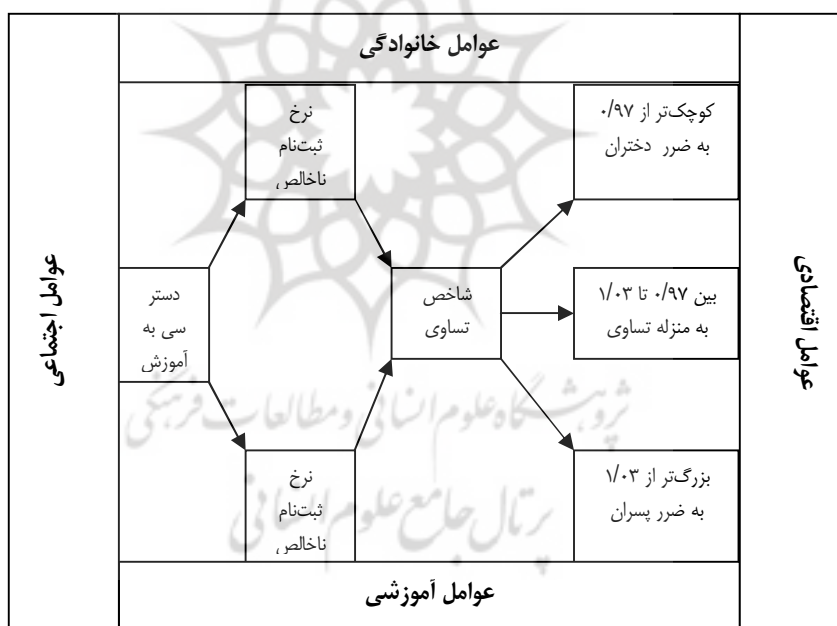
۳. Gender parity in access to education

۴. MDG: Millennium Development Goals

برنامه سوم توسعه کشور، ۱۳۷۹) و با توجه به نابرابری‌های موجود در دسترسی به آموزش، در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در بندهای «الف»، «ب»، «م»، «س» ماده ۵۲ به گسترش فرصت‌های دسترسی به آموزش به‌ویژه برای دختران توجه ویژه‌ای شده است (سند برنامه چهارم توسعه کشور، ۱۳۸۴).

### چارچوب نظری تحقیق

به منظور پایش میزان تحقق تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش، مرکز آمارهای یونسکو<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) و مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) چارچوبی برای محاسبه شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش<sup>۳</sup> ارائه کرده‌اند که بر مبنای آن از تقسیم نرخ ثبت‌نام ناخالص<sup>۴</sup> دختران بر پسران، شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش هر دوره را محاسبه می‌کنند، اگر عدد حاصل (شاخص تساوی جنسیتی) کمتر از ۰/۸ و بیشتر از ۱/۲۵ دور از تحقق هدف برنامه، بین ۰/۸ تا ۰/۹۴ و ۱/۰۶ تا ۱/۲۵ در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف و چنانچه شاخص تساوی جنسیتی بین ۰/۶۹ تا ۰/۹۵ و ۱/۰۴ تا ۱/۰۵ قرار گرفته باشد، نزدیک به تحقق هدف خواهند بود. تساوی جنسیتی نیز در صورتی محقق شده است که رقم شاخص، بین ۰/۹۷ تا ۱/۰۳ باشد (نمودار ۱).



نمودار ۱: چارچوب نظری و تحلیلی عوامل مؤثر بر دسترسی به آموزش<sup>۵</sup>

- 1 . UIS: UNESCO Institute for Statistics
- 2 . IIEP: International Institute for Educational Planning
- 3 . (GPI) Gender Parity Index in Access to Education
- 4 . GER: Gross Enrolment Ratio
- 5 . چارچوب نظری مطرح شده با اقتباس از آتشک (1388)، فراستخواه (1387) و کینگ (1376) ارائه شده است.

## پیشینه پژوهش

فارغ از مشکلات روش شناختی که در برخی از مطالعات صورت گرفته در ایران وجود داشته است، جمع‌بندی نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که:

۱- دختران در تمامی پایه‌ها، دسترسی کمتری نسبت به پسران به آموزش دارند (آتشک، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۶؛ مرادی، ۱۳۸۳؛ داش‌خانه، ۱۳۸۰؛ واحدی، ۱۳۷۷؛ نادری نرم، ۱۳۷۶؛ کلیدری، ۱۳۷۴؛ حسین‌زاده، ۱۳۷۲؛ خدابخش، ۱۳۷۱؛ عزیززاده، ۱۳۶۵).

۲- دختران در مناطق کمتر توسعه یافته، دسترسی کمتری به آموزش نسبت به مناطق توسعه یافته‌تر دارند (آتشک، ۱۳۸۸؛ اسماعیل سرخ، ۱۳۸۶؛ نبی‌زاده سرابندی، ۱۳۸۴؛ داش‌خانه، ۱۳۸۰؛ واحدی، ۱۳۷۷؛ نادری نرم، ۱۳۷۶؛ حسین‌زاده، ۱۳۷۲).

۳- نابرابری جنسیتی در دسترسی به آموزش در پایه‌های تحصیلی بالاتر بیشتر است (آتشک، ۱۳۸۸؛ عزیززاده، ۱۳۶۵).

۴- علی‌رغم دسترسی کمتر دختران به آموزش در تمامی مقاطع تحصیلی، آن‌ها عملکرد تحصیلی بهتر و ماندگاری بیشتری در نظام آموزشی داشته‌اند (آتشک، ۱۳۸۶؛ عزیززاده، ۱۳۶۵). پس از تدوین برنامه آموزش برای همه، مرکز آمارهای یونسکو با استفاده از گزارش کشورها در خصوص میزان تحقق اهداف برنامه مذکور، اقدام به انتشار مجموعه پایش برنامه آموزش برای همه می‌کند، گزارش ۲۰۰۸ (Education for All by 2015, will we make it?) (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که در دوره ابتدایی در ۶۳ درصد از کشورهای جهان تساوی جنسیتی حاصل شده که ۳۳ درصد از کل این کشورها در مناطق امریکای شمالی و اروپا واقع شده‌اند.

کشورهایی واقع در جنوب صحرای آفریقا به همراه منطقه آسیای جنوبی و غربی، در میان مناطق جهان، وضعیت نامطلوبی دارند، به طوری که فقط ۳۵ و ۳۸ درصد از کشورهای این مناطق توانسته‌اند برابری جنسیتی را محقق سازند. در حالی که در ۹۵ درصد امریکای شمالی و کل اروپا شاخص محقق شده است. در دوره راهنمایی فقط ۶۷ درصد از کشورها موفق شده‌اند تساوی جنسیتی را برقرار کنند. در این دوره نیز ۱۴ درصد از کشورها دور از تحقق اهداف برنامه بوده‌اند که ۶۴ درصد آن‌ها در منطقه جنوب صحرای آفریقا قرار دارند و منطقه عربی بعد از کشورهای واقع در جنوب صحرای آفریقا بدترین وضعیت را از این نظر دارند. ۳۹ درصد از کشورها نیز شاخص متوسط در برابری جنسیتی داشته‌اند. در این دوره بیشترین درصد تحقق منطقه‌ای شاخص مربوط به اروپای مرکزی و شرقی بوده است. در دوره متوسطه وضعیت تساوی جنسیتی در مناطق مختلف جهان به شدت با سایر دوره‌ها متفاوت است. در این دوره فقط ۳ درصد از کشورها موفق به تحقق تساوی شده‌اند. در ۶۴ درصد کشورها عدم تساوی جنسیتی به زیان پسران حاکم بوده است که ۱۰۱ کشور، به طور کامل دور از تحقق هدف برنامه قرار دارند. بیشترین درصد تحقق تساوی در مناطق مربوط به کشورهای حوزه امریکای لاتین و کارائیب است (تنها ۸ درصد).

مقایسه سه دوره تحصیلی در کل و مناطق جهان نشان می‌دهد که با بالا رفتن دوره‌های تحصیلی عدم تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش بیشتر (تساوی جنسیتی به ترتیب در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه در ۶۳، ۳۷ و ۳ درصد از کشورها محقق شده است)، عدم تساوی به زیان پسران بیشتر (این امر در دوره ابتدایی فقط در ۳ درصد از کشورها اما در دوره‌های راهنمایی و متوسطه به ۲۹ و ۶۴ درصد از کشورها مشاهده می‌شود) و تعداد کشورهای دور از تحقق هدف بیشتر می‌شود (پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که در ابتدایی ۶ درصد، راهنمایی ۱۴ درصد و متوسطه ۷۰ درصد از کشورها نتوانند تساوی را محقق سازند).

با توجه به موارد فوق این تحقیق در پی بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه طی سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ و امکان تحقق آن در سال ۱۳۹۵ که معادل با سال پایانی (۲۰۱۵ میلادی) برنامه جهانی آموزش برای همه، اهداف توسعه هزاره و برنامه پنجم توسعه کشور است، می‌باشد که به این منظور دو سؤال پژوهشی به شرح زیر مطرح می‌شود:

- ۱- تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش مدرسه‌ای (دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) ایران در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ چگونه بوده است؟
- ۲- آیا در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۵ میلادی) (مترادف با سال پایانی برنامه‌های جهانی آموزش برای همه، اهداف توسعه هزاره و برنامه پنجم توسعه کشور) تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش مدرسه‌ای (دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) محقق خواهد شد؟

### روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، در گروه تحقیقات کاربردی و از نظر نوع تحقیق، توصیفی (روند پژوهی) است، جامعه آماری عبارت‌اند از تعداد جمعیت واجب‌التعلیم و دانش‌آموزی مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه طی سال‌های ۹۵-۱۳۵۵ که تعداد جمعیت واجب‌التعلیم سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ از آمارهای سرشماری (نتایج سرشماری نفوس و مسکن کل کشور، ۸۵-۷۵-۶۵-۱۳۵۵) و تعداد دانش‌آموزی مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ از آمارهای وزارت آموزش و پرورش (آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، ۱۳۸۵) و پیش‌بینی‌های لازم برای سال ۱۳۹۵ براساس درصد رشد سالیانه سال‌های گذشته صورت گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها از طریق بررسی اسناد و مدارک مرتبط (اسنادی) و هم‌چنین روش تحلیل ثانویه اطلاعات بوده و برای توصیف ماهیت جامعه آماری تحقیق و میزان نرخ ثبت‌نام ناخالص و شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش از جدول و نمودار استفاده شده است.

### یافته‌های تحقیق

آمارها نشان می‌دهد که جمعیت دانش‌آموزی کشور براساس سرشماری‌های انجام شده از حدود ۶/۴ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به حدود ۱۳/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش پیدا

کرده است. در حالی که فقط ۳۸ درصد از دانش‌آموزان در سال ۱۳۵۵ دختر بوده‌اند، این نسبت در سال ۱۳۸۵ به ۴۸ درصد رسیده است (سه‌م دختران از جمعیت لازم‌التعلیم در این سرشماری به ترتیب ۴۸ و ۴۹ درصد بوده است) (نتایج سرشماری نفوس و مسکن کل کشور، ۸۵-۷۵-۶۵-۱۳۵۵؛ آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، ۱۳۸۵).

نرخ ثبت‌نام ناخالص دختران در دوره ابتدایی از ۶۶/۳۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به نسبت قابل توجه ۹۱/۳۷ درصد در سال ۱۳۶۵ و سپس ۱۰۱/۱۱ و ۱۰۳/۱ درصد در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ بالغ شده است و بین نرخ ثبت‌نام ناخالص دو جنس در سال ۱۳۵۵، ۲۷/۲ درصد تفاوت به نفع پسران وجود داشته که این امر در سال ۱۳۸۵ به ۱/۸ درصد به نفع پسران کاهش یافته است (جدول ۱).

بیشترین نرخ رشد متوسط سالیانه در نرخ ثبت‌نام ناخالص دختران در دوره ابتدایی مربوط به دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ با ۳/۲۶ درصد است و در همین دوره نرخ رشد متوسط سالیانه نرخ ثبت‌نام ناخالص پسران، ۱/۷۸ درصد بوده است که در دو دهه بعدی منفی شده و به ۰/۲- و ۰/۱۴- کاهش پیدا کرده است (جدول ۲).

در دوره راهنمایی تحصیلی، نرخ ثبت‌نام ناخالص دختران از ۴۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ترتیب در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ۵۲/۸۴ درصد و ۸۶/۴۱ درصد و ۹۴/۶۴ درصد افزایش پیدا کرده است (جدول ۱) و بیشترین نرخ رشد متوسط سالیانه شاخص فوق در فاصله ۱۳۶۵-۷۵ به میزان ۵/۰۴ درصد محقق شده است. به عبارتی تداوم تحصیل و آموزش دختران در دوره ابتدایی در دهه ۱۳۵۵-۶۵ نرخ ثبت‌نام ناخالص را در دهه ۱۳۶۵-۷۵ در دوره راهنمایی و متوسطه به میزان قابل توجهی افزایش داد. نرخ رشد متوسط سالیانه شاخص برای پسران در سه دهه به ترتیب ۱/۶۹، ۲/۷۱ و ۰/۱ درصد بوده است. به این ترتیب برای هر دو گروه جنسی، نرخ رشد متوسط سالیانه در دهه میانی افزایش پیدا کرده و سپس روند نزولی داشته است (جدول ۲).

همان‌طور که در جدول ۱ مشخص است، فاصله میان نرخ ثبت‌نام ناخالص دختران و پسران طی سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ به طور مداوم در حال کاهش است؛ به گونه‌ای که تفاوت ۲۴/۵ درصدی این نرخ به نفع پسران در سال ۱۳۵۵ به حدود ۸ درصد به نفع پسران در سال ۱۳۸۵ رسیده است.

در دوره متوسطه نیز نرخ ثبت‌نام ناخالص دختران در طول سه دهه، بهبود داشته است و در سال‌های سرشماری مورد بررسی به ترتیب ۲۲/۷، ۲۳/۹۹، ۵۳/۷ و ۵۵/۳۲ درصد بالغ شده است و تفاوت بین نرخ ثبت‌نام ناخالص دو جنس در دوره متوسطه در سال ۱۳۵۵ ۱۵/۷ درصد و به نفع پسران بوده که ادامه روند در سال ۱۳۸۵ منجر به ۰/۱ درصد تفاوت و این بار به نفع دختران است (جدول ۱) و بیشترین درصد رشد سالیانه نرخ فوق در دهه ۱۳۶۵-۷۵ و به میزان ۸/۳۹ درصد است، اما در دهه ۸۵-۱۳۷۵ به ۰/۳ درصد کاهش پیدا می‌کند. درصد رشد سالیانه نرخ فوق برای پسران در دوره ۱۳۵۵-۶۵ منفی و برابر ۲/۲۹- درصد است، در مورد پسران نیز

بالاترین نرخ رشد متوسط سالیانه در دهه ۷۵-۱۳۶۵ و به میزان ۵/۰۱ درصد محقق شده است (جدول ۲).

نکته حایز اهمیت این است که در تمامی مقاطع سه‌گانه و در طی ۳۰ سال گذشته، تنها در سال ۱۳۸۵ و به میزان ۰/۱ درصد نرخ ثبت‌نام ناخالص به نفع دختران شده و در سایر مقاطع و سال‌ها تفاوت این نرخ به ضرر دختران بوده است (جدول ۱).

جدول ۱: نرخ ثبت‌نام ناخالص دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه ایران

طی سال‌های ۸۵-۱۳۵۵

مقاطع	جنسیت	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
ابتدایی	دختر	۶۶/۳۱	۹۱/۳۷	۱۰۱/۱۱	۱۰۳/۱۰
	پسر	۹۳/۵۶	۱۱۱/۶۳	۱۰۹/۴۳	۱۰۴/۹۵
راهنمایی	دختر	۴۱/۰۱	۵۲/۸۴	۸۶/۴۱	۹۴/۶۴
	پسر	۶۵/۴۶	۷۷/۳۷	۱۰۱/۰۹	۱۰۲/۵۹
متوسطه	دختر	۲۲/۷۰	۲۳/۹۹	۵۳/۷۰	۵۵/۳۲
	پسر	۳۸/۴۴	۳۳/۷۷	۵۵/۰۸	۵۵/۲۰

جدول ۲: درصد رشد سالیانه نرخ ثبت‌نام ناخالص دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه

ایران طی سال‌های ۸۵-۱۳۵۵

مقاطع	جنسیت	۵۵ به ۶۵	۶۵ به ۷۵	۷۵ به ۸۵
ابتدایی	دختر	۳/۲۶	۱/۰۱	۰/۲
	پسر	۱/۷۸	-۰/۲	-۰/۴۱
راهنمایی	دختر	۲/۵۷	۵/۰۴	۰/۹۱
	پسر	۱/۶۹	۲/۷۱	۰/۱
متوسطه	دختر	۰/۵۵	۸/۳۹	۰/۳
	پسر	-۲/۲۹	۵/۰۱	۰/۰۲

### پاسخ به سؤال‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش مدرسه‌ای (دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) ایران در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ چگونه بوده است؟ همان‌طور که در نمودار ۲ مشخص است، شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش در سال ۱۳۵۵ در هیچ‌یک از دوره‌های سه‌گانه و هم‌چنین کل دوره‌های تحصیلی محقق نشده و در وضعیت دور از تحقق هدف و به ضرر دختران قرار دارد.

در سال ۱۳۶۵ دوره ابتدایی، در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف تساوی جنسیتی و مقاطع راهنمایی و متوسطه، دور از تحقق هدف مذکور هستند. هم‌چنین در هر سه مقطع و کل دوره‌ها، عدم تساوی به ضرر دختران بوده است (نمودار ۲).

در سال تحصیلی ۱۳۷۵ در دوره متوسطه، شاخص تساوی جنسیتی محقق شده است، اما در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و هم‌چنین مجموع دوره‌ها، در وضعیت متوسط نسبت به تحقق تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش و به ضرر دختران وجود داشته است (نمودار ۲). پیشرفت‌های حاصل شده سال‌های گذشته در سال ۱۳۸۵ به خوبی متجلی شده و در مقاطع ابتدایی، متوسطه و کل دوره‌ها شاخص تساوی محقق شده است. نکته قابل توجه این است که در دوره راهنمایی هم‌چنان در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف و به ضرر دختران می‌باشیم (نمودار ۲).

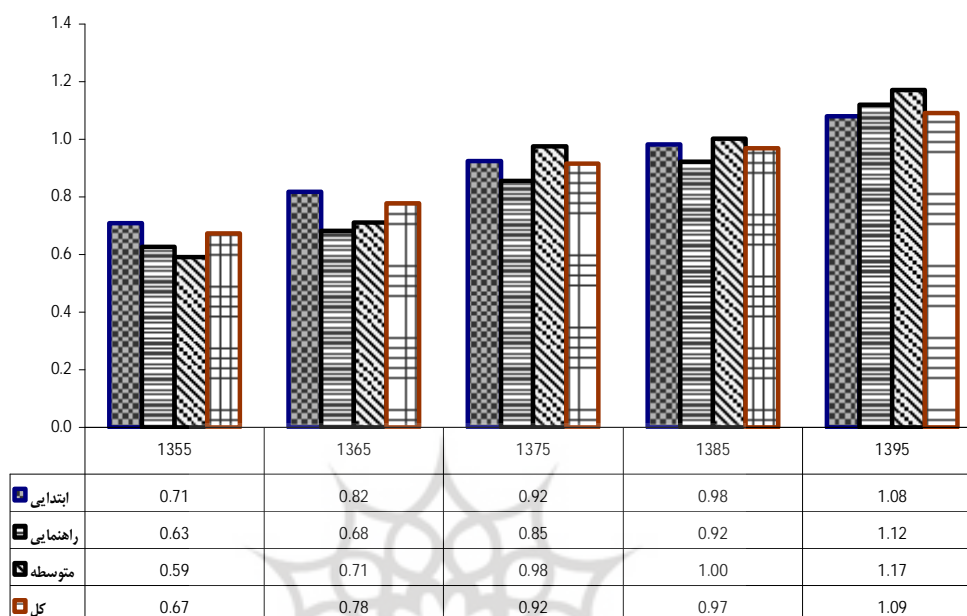
سؤال دوم پژوهش: آیا در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۵ میلادی) مترادف با سال پایانی برنامه‌های جهانی آموزش برای همه، اهداف توسعه هزاره و برنامه پنجم توسعه کشور) تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش مدرسه‌ای (دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) ایران محقق خواهد شد؟ درصد رشد سالیانه شاخص فوق در طی سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و کل دوره‌ها به ترتیب برابر با ۱/۰۸، ۱/۲۷، ۱/۷۷ و ۱/۷۷ درصد بوده است (جدول ۳).

جدول ۳: درصد رشد سالیانه شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه ایران طی سال‌های ۸۵-۱۳۵۵

از سال	۵۵ به ۶۵	۶۵ به ۷۵	۷۵ به ۸۵	۸۵ به ۸۵
ابتدایی	۱/۴۵	۱/۱۵	۰/۶۳	۱/۰۸
راهنمایی	۰/۷۶	۲/۲۵	۰/۷۹	۱/۲۷
متوسطه	۱/۸۶	۳/۲۷	۰/۲۰	۱/۷۷
کل	۱/۵۳	۱/۶۶	۰/۵۳	۱/۷۷

از این رو در سال ۱۳۹۵ شاخص مذکور در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و کل دوره‌ها به ترتیب برابر با ۱/۰۸، ۱/۱۲، ۱/۱۷، ۱/۰۹ خواهد رسید، که می‌توان این‌گونه بیان کرد: در هر سه دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و هم‌چنین در کل سه دوره، دوباره عدم تساوی جنسیتی و این بار به ضرر پسران (در وضعیت متوسط نسبت به تحقق) برقرار خواهد شد (نمودار ۲).





## نمودار ۲: شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش در مقاطع دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه ایران طی سال‌های ۹۵-۱۳۵۵

در خصوص هر یک از مقاطع براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که در دوره ابتدایی، شاخص برابری جنسیتی در دسترسی به آموزش از ۰/۷۱ در سال ۱۳۵۵ به ۰/۹۸ در سال ۱۳۸۵ افزایش پیدا کرده است (نمودار ۲) و بیشترین نرخ رشد متوسط سالیانه شاخص در دهه‌های ۶۵-۱۳۵۵ و برابر با ۱/۴۵ درصد بوده است (جدول ۳). از این رو می‌توان این‌گونه بیان کرد که تساوی جنسیتی در دوره آموزش ابتدایی در سال ۱۳۸۵ محقق شده و در سال ۱۳۹۵ در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف و به ضرر پسران خواهد بود (نمودار ۲). در دوره راهنمایی تحصیلی، شاخص فوق از ۰/۶۳ در سال ۱۳۵۵ به ۰/۹۲ در سال ۱۳۸۵ رسیده است (نمودار ۲) و بیشترین نرخ رشد متوسط سالیانه شاخص در دهه ۷۵-۱۳۶۵ و به میزان ۲/۲۵ درصد محقق شده است (جدول ۳). در این صورت هنوز در سال ۱۳۸۵ نبود تساوی جنسیتی در دسترسی به دوره آموزش راهنمایی، به ضرر دختران وجود دارد و در سال ۱۳۹۵ این شاخص به ۱/۱۲ خواهد رسید که نشان از وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف و به ضرر پسران خواهد شد (نمودار ۲). در دوره متوسطه نیز، شاخص مذکور از ۰/۵۹ در سال ۱۳۵۵ به اندکی بیش از ۱ در سال ۱۳۸۵ رسیده است (نمودار ۲). بالاترین نرخ رشد متوسط سالیانه شاخص نیز مربوط به دهه ۷۵-۱۳۶۵ و به میزان ۳/۲۷ درصد است (جدول ۳). بر این اساس می‌توان این‌گونه بیان کرد که شاخص تساوی

جنسیتی در دسترسی به دوره آموزش متوسطه در سال ۱۳۸۵ محقق شده است و در سال ۱۳۹۵ این شاخص در مقطع متوسطه در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف و به ضرر پسران خواهد بود (نمودار ۲). نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که تحلیل فوق از منظر برابری جنستی در آموزش است، اما همان‌طور که نرخ‌های ثبت‌نام ناخالص در دوره متوسطه نشان می‌دهند هنوز تا دسترسی کامل در هر جنس، فاصله زیادی وجود دارد و شاخص فوق در کل دوره‌ها نیز از ۰/۶۷ در سال ۱۳۵۵ به ۱/۰۹ در سال ۱۳۹۵ خواهد رسید (نمودار ۲). بالاترین نرخ رشد متوسط سالیانه شاخص نیز مربوط به دهه ۷۵-۱۳۶۵ و به میزان ۱/۶۶ درصد است (جدول ۳) که این موضوع نشان از تحقق تساوی جنسیتی در دسترسی به کل دوره‌های آموزشی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) در سال ۱۳۸۵ و در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف و به ضرر پسران در سال ۱۳۹۵ خواهد بود (نمودار ۲).

### نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پاسخ به سؤال‌های پژوهش نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ در هیچ‌یک از مقاطع سه گانه تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش حاصل نشده و به ضرر دختران بوده است. در سال ۱۳۷۵ این شاخص تنها در دوره متوسطه محقق و در دوره ابتدایی نزدیک به محقق شده است و نتیجه این روند در سال ۱۳۸۵ منجر به این می‌شود که علاوه بر دوره متوسطه در دوره ابتدایی نیز این شاخص محقق می‌گردد و تنها در دوره راهنمایی هم‌چنان عدم تساوی در دسترسی به آموزش و آن هم به ضرر دختران مشاهده می‌شود (نمودار ۲) که این امر با نتایج یافته‌های ارائه شده در پیشینه پژوهشی هم سو است. هم‌چنین پیش‌بینی‌های انجام شده بر مبنای درصد رشد سالیانه شاخص تساوی در طی سال‌های ۸۵-۱۳۵۵، نشان می‌دهد که برخلاف ۳۰ سال گذشته در سال تحصیلی ۱۳۹۵ در هر سه مقطع و در کل سه دوره، عدم تساوی جنسیتی به ضرر پسران وجود خواهد داشت (نمودار ۲).

مهم‌ترین عوامل مؤثر در نتایج به دست آمده را با توجه به چارچوب نظری مطرح شده می‌توان موارد زیر برشمرد:

نیروی کار کودک: براساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۷۵ از بین کل نیروی انسانی واقع در سن ۱۰ ساله و بالاتر در کشور، حدود ۳۵ درصد آنان در سن ۱۹-۱۰ سالگی قرار داشته‌اند. در این میان ۲۰ درصد بین ۱۴-۱۰ سالگی و ۱۵ درصد بین ۱۹-۱۵ سالگی واقع هستند. آمارهای رسمی گویای ۱۲ درصد فعالیت اقتصادی کودکان در سال ۱۳۷۵ می‌باشد که البته فقط از زاویه فعال بودن اقتصادی تعریف و احصا شده است؛ در حالی که اگر جمعیت فعال از نظر اقتصادی واقع در سن ۱۹-۱۰ سالگی با جمعیت خانه‌دار و غیرمحصل در همین سال اضافه و جمع بسته شود، قریب ۲۲ درصد در فهرست جمعیت فعال در فاصله سنی ۱۹-۱۰ سال قرار می‌گیرند (سایت اینترنتی جامعه‌شناسی ایران).

براساس آمار سال ۱۳۸۵ حدود یک میلیون و پانصد هزار نفر کودک (۱۰ تا ۱۹ ساله) شاغل بوده‌اند که از آن‌ها در حدود صد و هشتاد و پنج هزار نفر در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال بودند و در حدود یک میلیون و دویست و هفتاد هزار نفر در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال قرار داشته‌اند (سایت اینترنتی دویچه وله) که این امر یکی از دلایل نرخ ثبت‌نام کم دانش‌آموزان به‌ویژه در مقطع متوسطه است (در سال ۱۳۸۵ نرخ ثبت‌نام ناخالص در دوره متوسطه تنها ۵۵٪ بوده است).

تحصیلات والدین: این موضوع از جمله عوامل مهم در گرایش خانوارها به تحصیل فرزندان به‌ویژه دختران است. نرخ باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر از ۴۷/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶۲ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش پیدا کرد. این نرخ برای زنان به ترتیب ۳۵/۵ و ۵۲/۳ بوده است. هم‌چنین نرخ باسوادی به ۷۹/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۸۴/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش پیدا کرده است و نرخ‌های باسوادی زنان در همین سال‌ها به ترتیب ۷۴/۴ و ۸۰/۳ درصد بوده است. بنابراین مشاهده می‌شود که نرخ‌های باسوادی بالاتر با نرخ‌های ثبت‌نام بالاتر در مدارس در یک جهت حرکت کرده‌اند (نتایج سرشماری نفوس و مسکن کل کشور، ۸۵-۷۵-۶۵-۱۳۵۵).

یکی از عوامل افزایش نرخ ثبت‌نام ناخالص دختران در دوره ابتدایی از حدود ۶۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به بیش از ۹۱ درصد در سال ۱۳۶۵ را می‌توان وقوع انقلاب اسلامی که منجر به استقبال بیشتر خانواده‌ها در ثبت‌نام دختران شده و تداوم ماندگاری دختران در آموزش ابتدایی، نرخ‌های ثبت‌نام ناخالص در دوره راهنمایی تحصیلی و متوسطه را طی دهه بعد افزایش داده است.

تصویب قوانین ناظر بر آموزش: از عوامل مهم دیگر در ارتقای نرخ‌های ثبت‌نام به خصوص در مقاطع ابتدایی و راهنمایی می‌توان به تصویب قوانین مرتبط از جمله اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر رایگان بودن آموزش تا پایان دوره متوسطه تحصیلی برای همه ملت تأکید دارد و هم‌چنین ماده "۵۲" قانون برنامه چهارم توسعه کشور که مبتنی بر دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به‌ویژه برای دختران است و بند "الف" همین ماده که دولت را به توسعه زمینه‌های لازم برای اجرای برنامه آموزش برای همه مکلف نموده، بند «ب» ماده مذکور که دوره راهنمایی را اجباری نموده، بند «م» ماده فوق که بر متناسب کردن فضاهای آموزشی به‌ویژه مدارس دخترانه اشاره کرده و بند «س» همان ماده که رفع محرومیت‌های آموزشی را از طریق تنوع بخشی در ارایه آموزش هدف قرار داده است، اشاره کرد (سند برنامه چهارم توسعه کشور، ۱۳۸۴).

افزایش تعداد مدارس: در دوره ابتدایی از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۵ رشد ۲۷۵ درصدی در تعداد مدارس مشاهده می‌شود (۲۳۴۷۶ دبستان در سال ۱۳۵۵، ۶۴۶۴۶ دبستان در سال ۱۳۸۵) در دوره راهنمایی رشد ۶۸۵ درصدی در تعداد مدارس طی ۳۰ سال مورد بررسی مشاهده می‌شود (۴۶۲۰ مدرسه در سال ۱۳۵۵ به ۳۱۶۵۱ مدرسه در سال ۱۳۸۵ رسیده است). در دوره متوسطه نظری از ۱۷۱۶ مدرسه در سال ۱۳۵۵ به ۱۶۸۰۸ مدرسه در سال ۱۳۸۵ افزایش مشاهده می‌شود که برابر با رشدی معادل ۹۷۹ درصد است (آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، ۱۳۸۵-۸۶).

افزایش نیروی انسانی: این امر یکی از عوامل تأثیرگذار بر افزایش امکان دسترسی و کیفیت آموزش است. شواهد نشان می‌دهد که تعداد کارمندان زن در آموزش و پرورش ایران از حدود ۱۲۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۱۸ هزار نفر در سال ۱۳۶۵، ۴۰۷۹۸۳ نفر در سال ۱۳۷۵ و در سال ۱۳۸۵ به ۴۷۸ هزار نفر بالغ شده است. این وضعیت در مورد تعداد کارمندان مرد به این گونه بوده که در سال ۱۳۵۵ در حدود ۱۳۸ هزار، در سال ۱۳۶۵ بیش از ۲۹۵ هزار، در سال ۱۳۷۵ در حدود ۴۸۶ هزار و در سال ۱۳۸۵ به نزدیک به ۴۷۶ هزار نفر رسیده است (آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، ۱۳۸۵).

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر افزایش دسترسی و به تبع آن افزایش تساوی جنسیتی در طی ۳۰ سال مورد بررسی، افزایش بودجه تخصیصی به آموزش بوده است؛ به گونه‌ای که مجموع بودجه هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تخصیصی به سه دوره در سال ۱۳۵۵ برابر با ۸۴،۴ میلیارد ریال بوده (قانون بودجه سال ۱۳۵۵، ۱۳۵۵)، که این موضوع در سال ۱۳۸۵ به ۸۷۱۹۲ میلیارد ریال رسیده است (قانون بودجه سال ۱۳۸۵، ۱۳۸۵).

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران آموزشی به ارتقای نرخ ثبت‌نام ناخالص و خالص هر دو جنس، به ویژه در دوره متوسطه، تحقق شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش و همچنین حفظ دامنه شاخص فوق در وضعیت تساوی در همه مقاطع تحصیلی همت گمارند. همچنین شایسته است که به منظور تحلیل دقیق‌تر این مسأله سایر پژوهش‌گران به بررسی تساوی جنسیتی بر حسب گروه‌های سنی منفرد (برای آگاهی از میزان برخورداری هر یک از سنین از تساوی جنسیتی)، به تفکیک استان‌ها و مناطق مختلف کشور (به منظور پی بردن به میزان و جهت نابرابری‌های منطقه‌ای) و همچنین عوامل مختلف مؤثر بر آن و انجام تحقیقی فراتحلیلی از تعیین‌کننده‌های تساوی جنسیتی در دسترسی و عملکرد آموزشی بپردازند.

### منابع

- آتشک، محمد (۱۳۸۸) «بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش (پایه های دوره راهنمایی در مناطق شهری و روستایی استان های کشور»، *مطالعات راهبردی زنان*. سال یازدهم، شماره ۴۴: صص ۷۳-۱۱۰.
- آتشک، محمد (۱۳۸۶) *بررسی کارایی داخلی نظام آموزش عمومی استان های کشور و عوامل مؤثر بر آن در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳*. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- اسماعیل سرخ، جعفر (۱۳۸۶) «نابرابری های آموزشی و نابرابری های فضایی در بعد قومی و منطقه ای (مطالعه موردی دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰)»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*. سال بیست و سوم، شماره ۳: صص ۱۰۳-۱۲۴.
- آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ (۱۳۸۵). تهران: وزارت آموزش و پرورش.

حسین‌زاده، فتح‌الله (۱۳۷۲) بررسی نابرابری‌های دستیابی به فرصت‌های آموزشی بین مناطق استان بوشهر در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱. اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر. خدابخش، افراسیاب (۱۳۷۱) مقایسه میزان نابرابری آموزشی بین مناطق آموزشی استان گیلان در دوره متوسطه سال‌های تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶ و ۷۱-۱۳۷۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

داش‌خانه، فاطمه (۱۳۸۰) «بررسی عوامل مؤثر در نابرابری‌های آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارائه مدلی نظری برای آموزش دختران»، فصلنامه تعلیم و تربیت. سال هفدهم، شماره ۴: صص ۴۵-۵۸.

سایت اینترنتی جامعه‌شناسی ایران، مصاحبه با علی طایفی، قابل دسترس در:

[http://sociologyofiran.com/index.php?option=com\\_content&task=view&id=264&Itemid=42](http://sociologyofiran.com/index.php?option=com_content&task=view&id=264&Itemid=42)

سایت اینترنتی دویچه وله، مصاحبه با سعید مدنی، قابل دسترس در:

<http://www.dw-world.de/dw/article/0,,3979686,00.html>

سند برنامه چهارم توسعه کشور (۱۳۸۴) تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (سابق).

سند برنامه سوم توسعه کشور (۱۳۷۸) تهران: سازمان برنامه و بودجه (سابق).

سند ملی برنامه آموزش برای همه (۱۳۸۳) تهران: وزارت آموزش و پرورش.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۰) جایگاه دختران و زنان در جامعه سیستان و بلوچستان. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

عزیززاده، هادی (۱۳۶۵) «بررسی نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی بین استان‌های کشور در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵» فصلنامه تعلیم و تربیت. سال چهارم، شماره ۳ و ۴: صص ۵۵-۸۷.

فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷) «بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی ایران»، آموزش عالی ایران. سال اول، شماره ۲: صص ۹۵-۱۲۲.

قانون بودجه سال ۱۳۵۵ (۱۳۵۵) تهران: سازمان برنامه و بودجه (سابق).

قانون بودجه سال ۱۳۸۵ (۱۳۸۵) تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (سابق).

کلیدری، محمد حسین (۱۳۷۴) بررسی میزان نابرابری فرصت‌های آموزشی در استان خراسان طی برنامه اول توسعه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

کینگ، الیزابت (۱۳۷۶) نقش آموزش زنان در توسعه اقتصادی. ترجمه: غلامرضا آزاد (ارمکی). تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

مرادی، مسعود (۱۳۸۳) بررسی برابری فرصت‌های آموزشی در دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن در مناطق آموزشی استان زنجان. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان زنجان.

میرهادی، مهدی (۱۳۸۴) بررسی میزان نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان.

نادری نرم، عباس (۱۳۷۶) بررسی نابرابری‌های آموزشی در ۳ مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال‌های تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ و ۷۶-۱۳۷۵ استان خراسان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران.

نبی‌زاده سرابندی، سیما (۱۳۸۴) «بی‌عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان» پژوهش زنان، دوره سوم، شماره ۳: صص ۱۵۵-۱۷۵.

نتایج سرشماری نفوس و مسکن کل کشور (۱۳۵۵؛ ۱۳۶۵؛ ۱۳۷۵؛ ۱۳۸۵) تهران: مرکز آمار ایران، واحدی، محمد توفیق (۱۳۷۷) بررسی عوامل مؤثر در دستیابی دختران به فرصت‌های آموزشی در دوره راهنمایی تحصیلی مناطق آموزش و پرورش استان زنجان. دفتر تحقیقات آموزش و پرورش استان زنجان.

*Education for All by 2015, will we make it?* (2008) UNESCO, Paris.

Elizabeth M. King, M. Anne Hill (1993) *Women's Education in Developing Countries*, World Bank.

*Gender & Education* (2007) UNESCO, Paris.

*Gender Parity in Education* (2006) UNESCO, Paris.

*Human Development Report, beyond scarcity: Power, poverty and the global water crisis* (2006) New York, United Nations Development Programs.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی